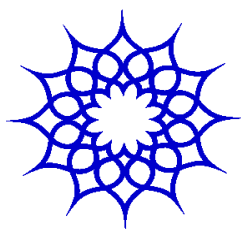


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده مطالعات فلسفی و تاریخ علم

گروه حکمت متعالیه

رساله دکتری رشته حکمت متعالیه

بررسی تطور مفهوم وجود در فلسفه ملاصدرا با نظر به وجوه اختلاف آن با فارابی

استاد راهنما

دکتر طاهره کمالی زاده

استاد مشاور

دکتر فاطمه شهیدی

پژوهشگر

زهرا سالاری طرزقی

تیر 1399

تشکر:

اکنون که به یاری خداوند دورهٔ دکتری را به پایان رسانیده ام بر خود واجب می‌دانم از تمام کسانی که در این مسیر دشوار مرا یاری کردند سپاسگزاری نمایم.

تشکر قلبی و لسانی خود را از استاد عالی قدر سرکار خانم دکتر طاهره کمالی زاده که زحمت راهنمایی این پایان نامه را عهده دار گردیدند و در تمامی مراحل انجام رساله از راهنمایی های مدبرانه ایشان استفاده کردم، ابراز می‌دارم و توفیقات روزافزون ایشان را توام با صحت و سعادت خواستارم.

از سرکار خانم دکتر فاطمه شهیدی که در امر مشاوره این رساله مرا مساعدت نمودند و در این امر، نهایت توجه و دقت خود را مبذول فرموده اند کمال تشکر و امتنان را دارم.

از اساتید بزرگوار سرکار خانم دکتر مریم صانع پور، جناب آقای دکتر رضا اکبری و جناب آقای دکتر مهدی عظیمی که زحمت داوری این رساله را بر عهده داشتند سپاس فراوان دارم.

کمال امتنان و تشکر دارم از پدر و مادر مهربانم که در سختی و دشواری های زندگی همواره یآوری و دلسوز و فداکار و پشتیبانی محکم برایم بوده اند.

همسر مهربانم و دختران دلبندم ریحانه و حنانه عزیز مراتب تشکر و سپاس قلبی خود را بخاطر همراهیتان اعلام نموده و موفقیت شما را از خداوند متعال خواهانم.

تقدیم:

تقدیم به به قطب عالم امکان، حضرت امام زمان (عج)، آیت رب ودود و ناجی ملک وجود؛ آنکه جهانی در انتظار عدالت و لطف اوست.

چکیده:

پژوهش درمورد تطور مفهوم وجود در حکمت متعالیه ملاصدرا و نیز نسبت به فارابی حاکی از آن است که در فلسفه فارابی بدلیل درهم تنیدگی معنای موجود، وجود و ماهیت، «وجود» به عنوان امری یکسان با موجود و یا جزئی از موجود مطرح شد. همچنین تطور مفهوم وجود و موجود در حکمت متعالیه ملاصدرا از نظر همراهی ابتدائی با حکمت رسمی و سپس ارائه نظریه اصالت وجود و نهایتاً دستیابی به وجودی اصیل و مشکک مورد بررسی قرار گرفت.

در بحث احکام وجود نیز فارابی تحت تاثیر تفکر ارسطویی و در نتیجه در سیطره موجود محوری است و لذا از حیطه مفاهیم فراتر نرفته است، اما در فلسفه ملاصدرا بر مبنای اصالت وجود و مبانی و نتایج آن، احکام وجود و ماهیت، لوازم و مسائل و مباحث پیرامون هریک از آنها متحول شد و بدین صورت دامنه مباحث فلسفی گسترش یافت. همچنین فارابی «موجود بما هو موجود» را به عنوان موضوع فلسفه معرفی می کند، ولی ملاصدرا بر اساس اصالت وجود، گاهی وجود و گاهی «موجود» را به عنوان موضوع فلسفه معرفی می کند، اما این دوگانگی مربوط به لفظ است نه معنا؛ چرا که بر طبق مبانی فکری ملاصدرا منظور از موجود، چیزی جز وجود نیست. درمورد اشکالاتی که بر اصالت فلسفی نظریه اصالت وجود وارد شده است، باید گفت که این مسائل ناشی از عوامل مختلفی از جمله عدم دانش کافی درمورد زمینه تاریخی و فلسفی نظریه اصالت وجود ملاصدرا، آثار و کارکردهای آن، عدم درک صحیح معنای وجود، ماهیت و خلط معانی آنها است.

کلید واژه‌ها:

فارابی - ملاصدرا - مفهوم وجود - موجود - وجود شناسی - تطور

فهرست مطالب

پیشگفتار:	1
1. فصل اول: کلیات:	2
1.1. طرح مساله:	3
1.2. اهداف پژوهش:	4
1.3. سوالات پژوهش:	4
1.4. فرضیه های پژوهش:	4
1.5. پیشینه پژوهش:	5
1.6. روش پژوهش:	8
1.7. مشکلات پژوهش:	10
1.8. فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات:	11
2. فصل دوم: مفهوم وجود:	12
2.1. سیر معنای وجود و موجود در فلسفه اسلامی:	13
2.2. وجودشناسی و موجودشناسی فارابی:	15
2.2.1. معنای وجود و موجود در فلسفه فارابی:	16
2.2.2. رابطه وجود و موجود و ماهیت در فلسفه فارابی:	20
2.2.3. کاربردهای مفهوم موجود:	24
2.2.4. رابطه موجود و بحث اشتقاق در فلسفه اسلامی:	25
2.2.5. معانی عدم و غیر موجود در کلام فارابی:	28
2.3. معانی ماهیت:	29
2.3.1. معانی لغوی ماهیت:	29

2.3.2.	تطور معانی ماهیت:	29
2.3.3.	معانی ماهیت در فلسفه فارابی:	30
2.4.	وجود شناسی و موجود شناسی در نظام فلسفی ملاصدرا:	33
2.4.1.	تقسیمات وجود در فلسفه ملاصدرا:	33
2.4.2.	اعتبارات مختلف وجود:	38
2.4.3.	معانی اصطلاحی وجود نزد ملاصدرا:	38
2.4.4.	مصادیق و مساویات وجود در کلام ملاصدرا:	41
2.4.5.	معانی موجود در فلسفه ملاصدرا:	45
2.4.6.	تبیین رابطه وجود و موجود در نظام صدرایی:	46
2.4.7.	ویژگی های وجود در فلسفه ملاصدرا:	54
2.4.8.	معانی ماهیت در فلسفه ملاصدرا:	61
	نتیجه:	64
3.	فصل سوم: احکام وجود:	71
3.1.	احکام مفهوم وجود:	72
3.1.1.	بدهت مفهوم وجود و موجود:	72
3.1.1.1.	بدهت مفهوم وجود در فلسفه فارابی:	73
3.1.1.2.	بدهت مفهوم وجود در فلسفه ملاصدرا:	73
3.1.2.	اشتراک وجود (نحوه اطلاق وجود بر موجودات):	76
3.1.2.1.	اشتراک وجود و موجود در فلسفه فارابی:	76

79	3.1.2.2. اشتراک معنوی وجود در فلسفه ملاصدرا.....
81	3.1.3. تمایز وجود از ماهیت:.....
82	3.1.3.1. رابطه وجود و ماهیت در فلسفه فارابی:.....
91	3.1.3.2. رابطه وجود و ماهیت در حکمت متعالیه صدرایی:.....
101	3.2. احکام حقیقت وجود:.....
101	3.2.1. اصالت وجود:.....
102	3.2.2. تشکیک وجود:.....
103	3.2.2.1. تشکیک موجود در فلسفه فارابی:.....
107	3.2.2.2. تشکیک وجود در فلسفه ملاصدرا.....
111	3.2.3. وحدت وجود:.....
112	3.2.3.1. مساوت وحدت و موجود در فلسفه فارابی:.....
113	3.2.3.2. وحدت وجود در فلسفه ملاصدرا:.....
117	نتیجه:.....
124	4. فصل چهارم: موضوع فلسفه:.....
125	4.1. موضوع فلسفه از منظر فارابی:.....
128	4.1.1. بررسی عوامل تاثیرگذار بر فارابی در تعیین موجود به عنوان موضوع فلسفه:.....
130	4.2. موضوع فلسفه از منظر ملاصدرا:.....
132	4.2.1. مراد ملاصدرا از موجود مطلق:.....
133	4.2.2. منظور از قید اطلاق در موجود مطلق به عنوان موضوع فلسفه:.....

4.2.3. تبیین رابطه وجود و موجود در فلسفه ملاصدرا:	134
4.2.4. بررسی عوامل تاثیرگذار بر ملاصدرا در اتخاذ محوریت وجود:	135
نتیجه:	144
5. فصل پنجم: بررسی اشکالات وارده بر اصالت فلسفی نظریه اصالت وجود	148
5.1. دسته اول: اشکالات مبتنی بر عدم اطلاع و احاطه کامل بر زمینه تاریخی و فلسفی نظریه اصالت وجود:	150
5.2. دسته دوم: اشکالات مبتنی بر خلط مفهوم و مصداق (تسری حکم مفهوم به مصداق یا بالعکس):	162
5.3. دسته سوم: اشکالات مبتنی بر عدم درک صحیح نظریه اصالت وجود صدرایی و خلط آن با وحدت وجود عرفا:	164
5.4. دسته چهارم: اشکالات مبتنی بر عدم احاطه کامل بر معنای وجود، ماهیت و اصالت در نظریه اصالت وجود:	166
5.5. دسته پنجم: اشکالات مبتنی بر عدم توجه به جایگاه، کارکرد و تاثیرات نظریه اصالت وجود	170
نتیجه:	182
6. فصل ششم: جمع بندی و نتیجه گیری	187
کتابنامه:	201
چکیده انگلیسی:	209

پیشگفتار:

در تاریخ فلسفه، «وجود» نخستین بار توسط پارمنیدس در پاسخ از «پروته آرخبه»، به عنوان ماده المواد جهان مطرح شد. سپس «موجود» در فلسفه ارسطو به عنوان موضوع فلسفه اولی، در راس مسائل و مباحث فلسفی قرار گرفت. فلسفه یونان از طریق ترجمه آثار ارسطو و سایر فلاسفه یونانی، وارد جهان اسلام شد و فارابی به عنوان نخستین فیلسوف مسلمان به تبع اساتید بزرگ یونانی، «موجود» را به عنوان موضوع و محور فلسفه اسلامی قرار داد. این روال در تاریخ فلسفه اسلامی تا حکمت متعالیه صدرایی تداوم یافت. در حکمت متعالیه، ملاصدرا با طرح نظریه «اصالت وجود»، ضمن محوریت قرار گرفتن «وجود»، مسائل و احکام وجود، به نحو چشمگیری تغییر و تحول یافت که ریشه این تغییر و تحول، در تحول مفهوم وجود و موجود و نیز تطور محور فلسفه از موجود به وجود، قابل بررسی است.

جریان‌های فکری متعددی در ایجاد این تغییر و تحول دخیل هستند. مشائیان و در راس آنها ابن سینا که به عنوان حلقه اتصال حکمت یونانی و مکتب اشراقی مطرح می‌شود؛ به جرات می‌توان گفت بیشتر مسائل و احکام وجود در نظام فلسفی او نضج گرفت و گسترش یافت. تاملات هستی‌شناسی سهروردی به عنوان نماینده حکمت اشراقی هر چند موجب به چالش کشیدن مباحث وجود شد، زمینه ساز توجه ملاصدرا به مسئله وجود شد. همچنین ورود عرفان به فلسفه اسلامی که می‌توان آثار فکری ابن مشرب را حتی در وجود شناسی ابن سینا مشاهده کرد، و تاملات عرفانی-فلسفی ابن عربی را می‌توان اوج این جریان فکری دانست، تاثیر بسزایی در تعالی و تاصل بحث وجود در حکمت متعالیه ملاصدرا داشته است. این تاثیر به حدی بود که ملاصدرا با وجود اعتقاد به اصالت ماهیت تحت تاثیر استاد خود (میرداماد)، توانست به ایجاد حکمت متعالیه صدرایی مبتنی بر نظریه اصالت وجود نائل آید. نظریه ای که محور تاملات فلسفی ملاصدرا و عامل تطور محور و موضوع فلسفه از موجود به وجود شد.

فصل اول: کلیات

1.1. طرح مساله:

در تاریخ فلسفه، «وجود»، نخستین بار توسط پارمنیدس در پاسخ از «پروته آرچه»، به عنوان ماده المواد جهان مطرح شد، لذا وی به عنوان پدر «وجود شناسی» شناخته شده است، اما در فلسفه ارسطو «موجود» به عنوان موضوع فلسفه اولی، در راس مسائل و مباحث فلسفی قرار گرفت. فلسفه یونان از طریق ترجمه آثار ارسطو و سایر فلاسفه یونانی، وارد جهان اسلام شد و فارابی به عنوان نخستین فیلسوف مسلمان به تبع اساتید بزرگ یونانی، «موجود» را به عنوان موضوع و محور فلسفه اسلامی قرار داد. این روال در تاریخ فلسفه اسلامی تا حکمت متعالیه صدرایی تداوم یافت. در حکمت متعالیه صدرای با طرح نظریه اصالت وجود، «وجود» محور فلسفه قرار گرفت و مسائل و مباحث وجود، به نحو چشمگیری تغییر و تحول یافت. حال سوال این است که ریشه این تغییر و تطور در تحول مفهوم وجود چیست؟ ما به منظور بررسی دفع ابهامات معانی گسترده «وجود»، ابتدا مفهوم و معانی «موجود»، «وجود» و «ماهیت» و نسبت میان آنها در فلسفه فارابی (به عنوان نخستین فیلسوف نظاممند در فلسفه اسلامی که از لحاظ تاریخی در مرز انتقال فلسفه از یونان به جهان اسلام قرار دارد) را مورد بررسی قرار می دهیم و سپس مفاهیم فلسفی مذکور، ارتباط آنها با یکدیگر و تطورات احتمالی در نظام فلسفی ملا صدرا را مورد مذاقه قرار می دهیم و در نهایت جهت بررسی تطوری و تحول مفهوم وجود در صدرا، مقایسه بین صدرا و فارابی انجام می پذیرد. مهم ترین مساله در این مقایسه، بررسی یکی از مهم ترین عوامل تاثیر گذار در این تطور است و آن تطور احکام وجود است. تطور احکام وجود نیز تاثیر بسزایی در تبیین تطور معنا و مفهوم «وجود» و «موجود» در فلسفه ملا صدرا دارد. در این پژوهش سعی داریم ابتدا احکام مفهوم وجود (بدهت مفهوم وجود، اشتراک معنوی وجود)، و سپس احکام حقیقت وجود (تمایز وجود از ماهیت، تشکیک وجود و وحدت وجود)، را براساس آثار ملا صدرا مورد تبیین و بررسی قرار داده و سپس با نظریات فارابی مقایسه نماییم. همچنین اینکه ملا صدرا با توجه به نظریه اصالت وجود به معنای متفاوتی از موجود و وجود نسبت به سایر فلاسفه از جمله فارابی دست یافته است، می تواند در تعیین موضوع و محوریت فلسفه ملا صدرا، نقش مهمی را ایفا کند، لذا تطوری و تحوّل موضوع فلسفه اولی از «موجود» به «وجود» (با توجه به موضوع و محور فلسفه در کلام ملا صدرا و فارابی)، و نیز بررسی عوامل تاثیر گذار بر این تحول، و در نهایت بررسی و تبیین نتایج و لوازم حاصله از این تطور در فلسفه ملا صدرا، از مسائل این پژوهش هستند.

1.2. اهداف پژوهش:

هدف اصلی:

بررسی نحوه تحول و تطور گستره مفهوم و مسائل «وجود» در حکمت متعالیه صدرایی از طریق مقایسه آن بافارابی، هدف اصلی این پژوهش است.

اهداف فرعی:

پاسخ به یکسری انتقادات و تعارضاتی که در ارتباط با نظریه اصالت وجود ملاصدرا مطرح شده از طریق بررسی مبانی و پیشینه بحث اصالت وجود.

-بررسی نحوه تحول و تطور مسائل و مباحث فلسفه اسلامی در حوزه هستی شناسی.

1.3. سوالات پژوهش:

سؤال اصلی:

تحول و تطور مفهوم وجود در فلسفه ملاصدرا در مقایسه با فارابی چگونه است؟

سوالات فرعی:

1 - میزان تاثیر گذاری دستاورد علمی پیشینیان بر نظریه اصالت وجود صدرا از جمله نظریه وحدت وجود عرفا چگونه است و چگونه ارزیابی می شود؟ (چنانکه برخی منتقدان ادعا کرده اند که نظریه اصالت وجود نظریه ای عرفانی است و صدرا فقط آن را به زبان فلسفی بیان کرده است)

2- حکمت متعالیه به عنوان آخرین مکتب فلسفی نظام یافته آیا صرفاً به تبیین نظرات سلف خود پرداخته یا از حیث موضوع، روش و مسائل، فلسفه اسلامی را گسترش داده است و ازین طریق توانسته گامی فراتر از نظام های فلسفی پیشین بردارد؟

1.4. فرضیه های پژوهش:

فرضیه اصلی:

مفهوم «وجود» در فلسفه ملاصدرا در مقایسه با فلسفه فارابی (به عنوان نماینده حکمت مشائی و موسس فلسفه اسلامی) به نحو قابل توجهی تحول و تطور یافته است. تغییر موضوع فلسفه از موجود به وجود، از مصادیق بارز این تحول است. هرچند تمایز وجود از ماهیت در فلسفه فارابی بطور ضمنی مطرح شده، همچنان موضوع فلسفه فارابی، موجود است. همین موجود در فلسفه ملاصدرا، کاملاً مستقل از ماهیت مطرح می شود، به نحوی که ملاصدرا در پی این تغییر و تحول، مسئله مهم اصالت وجود را در حکمت متعالیه، بنیان نهاده و به تبع آن، مباحث و مسائلی همچون وحدت تشکیکی وجود، وجود رابط، مجعولیت وجود و تعیین و تشخیص وجود و مسائلی از این دست را وارد فلسفه اسلامی کرده است و بسیاری از معضلات و مشکلات فلسفی را که از تباین ذاتی موجودات و کثرت ناشی از ناشی می شد با نظریه اصالت وجود و اثبات وحدت و یکپارچگی در دار تحقق حل و فصل کرد.

فرضیه‌های فرعی:

نظریه اصالت وجود ملاصدرا، ریشه در افکار حکماء و عرفای اسلامی دارد؛ از آن جمله، نظریه تمایز فلسفی وجود و ماهیت است که نخستین بار فارابی آن را طرح کرد و همچنین نظریه وحدت وجود عرفا؛ هرچند که وجود در حکمت متعالیه صدرایی، متفاوت و متمایز با موجود فارابی و وجود مدنظر عرفاست.

- حکمت متعالیه با توسعه روشی (بکارگیری دو روش بحثی و ذوقی) در فلسفه اسلامی، مباحث و مسائل فلسفه را توسعه و تعالی بخشیده است.

1.5. پیشینه پژوهش:

با عنایت به ذو جنبه بودن مسئله پژوهش حاضر، پیشینه بحث نیز از جهات مختلف مورد بحث قرار گرفته است. در بررسی مطالعات و پژوهش‌های مشابه این رساله، پژوهش‌های متقن و قابل استفاده ای پیش از این، توسط اساتید فن صورت گرفته و در این رساله تلاش بر آن شده است تا از دستاورد علمی پیشین، استفاده تام صورت گیرد.

اهم پیشینه پژوهشی پیرامون موضوع مورد نظر ما، در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله در چند محور قابل بررسی است:

الف - بررسی مفهوم و مسائل وجود از دیدگاه فارابی و یا ملاصدرا به نحو مستقل:

در این حیطه، کتاب، مقالات و پایان نامه‌هایی از جمله پایان نامه «بررسی سیر تاریخی مسأله اصالت وجود در فلسفه اسلامی» (فریبا مومنی) انجام گرفته که توجه آنها صرفاً به برخی مسائل و احکام وجود معطوف بوده است. چنانکه در پایان نامه مذکور، سیر تاریخی مسأله اصالت وجود - بدون توجه به شبهات و انتقاداتی که درباره اصالت فلسفی این نظریه مطرح شده - مورد تحقیق قرار گرفته اما مقایسه‌ای، صورت نگرفته است.

ب - بررسی مقایسه مباحث وجود در فلسفه اسلامی و یونانی به جهت تمایز فلسفه اسلامی از یونانی:

در این مورد، حداقل 4 مقاله از طاهره کمالی زاده و دو رساله همچون رساله دکتری طاهره کمالی زاده با عنوان «هستی شناسی فارابی و مواضع اختلاف وی با ارسطو»، پایان نامه کارشناسی ارشد زهرا توفیقی با عنوان «مفهوم وجود از دیدگاه فارابی (در نسبت با آراء هستی شناسی ارسطو)» موجود است. در مطالعات فوق، ما شاهد تحقیقات وسیعی در مورد مقایسه «وجود» و «موجود» نزد ارسطو و در برخی موارد مقایسه با فارابی هستیم. به نحوی که در بیشتر مطالعات مذکور، معانی وجود و موجود در متافیزیک ارسطو مورد بررسی قرار گرفته و با معانی که در کتاب الحروف فارابی بیان شده مورد مقایسه و مذاقه قرار گرفته است، اما بررسی تغییر و تطور مفهوم وجود در فلسفه اسلامی خاصه حکمت متعالیه صدرا و مقایسه آن با نظرات فارابی، همچنین پاسخ به تعارضات و شبهات مطروحه در مورد اصالت و پیشینه نظریه اصالت وجود، مسئله هیچکدام از پژوهش‌های فوق الذکر نبوده است.

ج - بررسی مفهوم و مسائل وجود در فلسفه مشاء به نحو مستقل:

مطالعات زیادی در زمینه وجود شناسی در فلسفه فارابی صورت گرفته، از جمله تحقیقات طاهره کمالی زاده، فاطمه شهیدی و لیلا کیانخواه که در قالب مقاله ارائه شده است، لکن در این تحقیقات، صرفاً به بررسی معانی موجود و وجود و طریقه معادل سازی مفهوم وجود در زبان عربی (در انتقال از یونان به جهان اسلام) در فلسفه فارابی و خاصه کتاب الحروف توجه شده است، اما تغییر و تطور آن در فلسفه ملاصدرا با توجه به عوامل تاثیر

گذار در این تغییر و تحول و مقایسه با نظرات فارابی و نیز پاسخ به شبهات و توهّمات وارده در مورد اصالت نظریه اصالت وجود، مسئله هیچکدام از این مطالعات نبوده است.

د - بررسی مفهوم و مسائل وجود در فلسفه ملاصدرا به نحو مستقل:

پژوهش‌های زیادی در این مورد قابل ذکر است؛ از جمله کتاب‌هایی که در شرح آثار ملاصدرا، بالاخص کتاب *سفار* تالیف شده مانند رحیق مختوم (نوشته جوادی آملی) و شرح استاد محمد تقی مصباح یزدی همچنین کتابهایی که در زمینه حکمت متعالیه ملاصدرا نگاشته شده است؛ نظیر فلسفه ملاصدرا (نوشته ملک فضل الرحمان)، آثار علامه جلال الدین آشتیانی نظیر «هستی از نظر فلسفه و عرفان» و «شرح حال و آراء علمی ملاصدرا، و «درآمدی بر نظام حکمت صدرایی» (جلد اول)، نوشته عبدالرسول عبودیت، و نیز مقالات متعددی که حداقل ده مورد، جهت انجام این پژوهش ملاحظه شده، همگی علی رغم توجه زیاد به شرح مبسوط احکام و مسائل وجود، و نیز بررسی معنی مورد نظر در مسئله نزاع اصالت وجود و اصالت ماهیت (معنای اسمی یا معنای مصدری)، از بررسی تطور مفهوم وجود در حکمت متعالیه (در تقابل با نظرات فارابی) و بررسی عوامل تاثیر گذار در این تغییر و تحول (عرفا، متکلمین، فلاسفه، محدثین و مفسرین) و اثبات اصالت فلسفی نظریه اصالت وجود، مغفول مانده‌اند.

ه - بررسی مقایسه مفهوم و مسائل وجود در میان اندیشمندان و فلاسفه اسلامی:

حداقل ده مورد (کتاب، مقاله و پایان نامه) از جمله پایان نامه «بررسی تطبیقی جایگاه نور در حکمت سهروردی و وجود در حکمت سینوی و صدرایی» نوشته خالق دیوسالار، جهت پیشینه این محور، مورد بررسی قرار گرفت. در اغلب این پژوهش‌ها صرفاً به مقایسه و تطابق نظریات فلسفی فلاسفه تا ملاصدرا در موضوعات و مسائلی همچون اصالت وجود، لوازم معنایی آن و نیز به تاثیرات آن در ارائه برخی نظریات فلسفی اشاره شده است، اما توجه به مفهوم وجود و تطور آن در حکمت متعالیه صدرایی (با نظر به وجوه اختلاف آن با فارابی) و خاصه پاسخ به توهّمات و انتقادات وارده به اصالت و پیشینه نظریه اصالت وجود، ویژگی خاص پژوهش پیش رو است که در تحقیقات مذکور مورد توجه نبوده است.

حرف آخر: همانطور که گذشت، در مورد معانی وجود و برخی احکام و مسائل آن و مقایسه آنها با دیگر فلاسفه، پژوهش‌های قابل توجهی انجام شده است، اما در مورد موضوع مورد نظر این رساله یعنی تطور مفهوم وجود در قیاس با فلسفه فارابی، پژوهش مستقلی تاکنون انجام نگرفته است. علاوه بر آنکه تفاوت در معنا و مفهوم وجود می‌تواند سبب تفاوت در ماهیت احکام و مسائل وجود شود و مسائلی که در حیطه وجود شناسی برای هر کدام مطرح بوده را تحت الشعاع خود قرار دهد که ما در این مقال به دنبال بیان همین تفاوت‌ها در کنار بحث تطور وجود و تاثیراتی که در فلسفه متعالیه صدرایی از طریق تغییر در مسائل گذاشته، هستیم. (بطور مثال تفاوت میان تشکیک عام با تشکیک خاص که نمونه‌ای از تطور مفهوم وجود است، زمینه ایجاد مسئله اصالت وجود را فراهم کرده است).

همچنین بررسی انتقادات و تعارضاتی که در ارتباط با نظریه اصالت وجود ملاصدرا مطرح شده؛ از جمله انکار اصالت فلسفی نظریه اصالت وجود، دغدغه هیچکدام از پژوهش‌های مذکور نبوده است، اما مد نظر پژوهش حاضر است.

1.6. روش پژوهش:

در پژوهش حاضر به تبیین و سپس تحلیل و بررسی آراء ملاصدرا و فارابی در سه فصل (مفهوم وجود، احکام وجود و موضوع فلسفه) می‌پردازیم. اینکه چرا فارابی را به عنوان فیلسوف مقابل ملاصدرا انتخاب کرده‌ایم بخاطر آن است که نظریات فارابی به عنوان اولین فیلسوف نظاممند که در مرز انتقال فلسفه از یونان به جهان اسلام قرار دارد از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا فلسفه اسلامی هنوز در ابتدای مسیر خود قرار دارد و نظریات فلسفی (خاصه در بحث وجود شناسی) هنوز به مرحله پختگی نرسیده است و معنای مفاهیم فلسفی؛ مانند «وجود»، «ماهیت» و «موجود» کاملاً متفاوت از دوران ملاصدرا است و این تفاوت زمانی و فکری به نحو بارزتری می‌تواند ویژگی‌ها و خصایص وجود شناسی ملاصدرا را به ما نشان دهد. همچنین این فاصله زمانی، تطور مفهوم وجود را بهتر نشان می‌دهد. ما برای تبیین هرچه بهتر آثار فارابی آنها را به دو دسته تقسیم کرده‌ایم. دسته اول آثار فارابی؛ مانند *فصوص الحکمه*، شرح رساله *زنون کبیر*، رساله *الدعای القلیبه*، *التعلیقات و عیون المسائل* با اسلوب سینیوی مطابقت دارد، اما دسته دوم آثار فارابی؛ مانند *الحروف*، *الفصول المنتزعه*، *فلسفه ارسطوطالیس*، *آراء اهل المدینه الفاضله*، *الجمع بین رأیی الحکیمین*، *السیاسه المدنیه* و برخی دیگر از رساله‌های فلسفی فارابی با اسلوب سینیوی

فاصله زیادی دارد. باتوجه به اینکه تبیین برخی از احکام فلسفی مانند تمایز وجود از ماهیت در آثار هر دسته متفاوت از دیگری است و با توجه به اینکه تفاوت این نگرش تاثیر بسزایی در معنای وجود، موجود و ماهیت دارد، و نیز با توجه به اینکه هریک از این دو نگرش طرفدارانی در میان فارابی پژوهان دارد، لذا بر آن شدیم تا تبعات التزام به بهره گیری از هر دو دسته آثار را بیان کنیم. البته ناگفته نماند که دسته دوم آثار با مکتب فکری فارابی مطابقت بیشتری دارد، لذا سعیمان بر آن است تا در استناد به آثار فارابی این مهم را لحاظ کنیم.

در هر سه فصل مذکور با توجه به اینکه فارابی از لحاظ زمانی بر ملاصدرا مقدم است، لذا ابتدا به تحلیل و بررسی آراء فارابی می پردازیم و بعد آراء ملاصدرا پیرامون مبحث مورد نظر هر فصل را تبیین می کنیم. همچنین برای درک هر چه بهتر آراء فلسفی این دو فیلسوف، پیشینه فکری و عوامل موثر بر آراء و نظریات آنها مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. روی هم رفته تتبع در آثار گذشتگان، نقد برخی اقوال مشهور و ارزیابی سخن برخی از صدرا پژوهان معاصر، بخشی از پژوهش حاضر را تشکیل می دهد. در میان این اقوال، نظرات دو فیلسوف نقش بارز و برجسته ای در پیشینه فکری فارابی و ملاصدرا دارد: ارسطو و ابن سینا. نقش کلیدی ارسطو از آن جهت است که آثار وی مورد توجه فلاسفه اسلامی قرار گرفته است و نه تنها در یونان افراد زیادی به شرح و تتبع در آراء وی پرداخته اند، بلکه در میان فلاسفه اسلامی نیز شارحان و تابعان زیادی داشته است. فارابی نیز به عنوان اولین فیلسوف نظاممند مسلمان که - از نظر تاریخی و علمی در مرز انتقال علوم از جمله فلسفه از یونان به جهان اسلام و در اوج نهضت ترجمه است - و نیز به عنوان یکی از شارحان مسلمان ارسطو، در آثار فلسفی خود تحت تاثیر ارسطو بوده است، لذا جهت تبیین و تحلیل هر چه بهتر آراء و نظرات فارابی پیرامون مباحث وجود شناسی، نظریات فلسفی ارسطو با توجه به شرایط مقتضی بیان می شود.

ابن سینا به عنوان نماینده مکتب مشاء که بیشتر آراء و نظریات ابتدائی فلاسفه گذشته (از جمله فارابی)، در نظام فلسفی او نضج و گسترش یافته و از طرف دیگر نظریات فلسفی او، شاکله اولیه نظام فلسفی ملاصدرا را فراهم کرده است، لذا تبیین و مقایسه نظریات فلسفی او بصورت دو سویه (هم با فارابی و هم ملاصدرا) ضرورت دارد. درمورد روش ملاصدرا در وجودشناسی خوانش های مختلفی ارائه شده است؛ از جمله این خوانش ها می توان به موارد زیر اشاره کرد^۱:

خوانش سینیوی (استدلالی محض)، خوانش اشراقی (شهودی محض)، خوانش سینیوی-اشراقی، خوانش تفکیکی، خوانش التقاطی (ترکیبی از افکار و اندیشه‌های فلسفی)، خوانش عرفانی، خوانش میان رشته‌ای، خوانش حکمت متعالیه به عنوان زبان برتر و نهایتاً خوانش بحثی - ذوقی

ما با توجه به سخنانی که خود ملاصدرا در مقدمه *اسفار* دارد، خوانش متناسب با سخنان و افکار ملاصدرا را در تبیین موضوع مورد پژوهش انتخاب کرده‌ایم. ملاصدرا با اتخاذ روش بحثی - ذوقی اثبات کرده است که حکمت متعالیه نه براساس فلسفه مشاء و نه اشراق و نه هیچیک از مکتب‌های فکری و اعتقادی دیگر استوار است؛ در عین حال بر تمام روش‌های مذکور برتری دارد. در حقیقت هرچند ملاصدرا در مباحث فلسفی خود خاصه وجودشناسی از افکار عرفایی همچون ابن عربی بهره برده است و روش عرفا را بکار بسته است، فلسفه او عرفان نیست؛ چون عرفان، ذوقی صرف است. برای اینکه اثبات کنیم مباحث فلسفی او از روش عقلی بدور نیست به سخن دیگری از مقدمه *اسفار* اشاره می‌کنیم: «من در رمزهای این کتاب اشاره به گنجینه‌هایی از حقایق کرده‌ام که به معنای آنها جز آن کس که نفسش را با مجاهدات و کوشش‌های عقلی به رنج انداخته تا مطالب را ادراک کند، راه نخواهد برد». او در مقدمه *اسفار* بوضوح اعلام می‌کند که علم تالّه را در حکمت بحث گنجانده است و سعی کرده اسرار ربانی را با عبارات مانوس طبایع و قریحه‌ها جامه بپوشاند. با توجه به تفاوت‌ها و شباهت‌های روش بحثی و ذوقی^۲، الگوی جمع این دو روش در حکمت متعالیه ملاصدرا به این نحو است که هر دو مراحل از روش کسب معرفت هستند؛ راهی که با برهان، آغاز و با ذوق تداوم می‌یابد. درواقع ملاصدرا متعرض مسائل کلامی، فلسفی، عرفانی و ... می‌شود، اما تمام این مسائل را با روش خاص خود بیان می‌کند. ملاصدرا بر همین مبنا به تبیین مباحث مربوط به وجود می‌پردازد.

نکته آخر اینکه لوازم متافیزیکی و آثار معرفت‌شناسی و زبانی استفاده ملاصدرا از وجود نیز قابل بررسی است و از آنجایی که این مسائل مربوط به بحث‌های زبانی و هرمنوتیک است، لذا به آنها نپرداخته‌ایم، اما پیشنهاد می‌کنیم برای دانشجویانی که تمایل به مطالعه در زمینه مسائل زبانی و هرمنوتیکی در فلسفه ملاصدرا هستند، به این مسائل بپردازند.

1.7. مشکلات پژوهش:

از مهمترین مشکلات این پژوهش که باعث صرف وقت زیادی شد، در مورد فهم نظام فلسفی فارابی است. اکثر مقالات و کتاب‌های موجود در مورد وجود شناسی فارابی و در کل فلسفه فارابی، با خوانش و نگرش صدرائی تألیف شده‌اند و این مسئله، کار درک و فهم فلسفه فارابی را با مشکل مواجه می‌کند.

1.8: فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات:

فیش برداری – استفاده از صفحات الکترونیکی

¹ – برای مطالعه بیشتر به کتاب روش شناسی احد فرامرز قراملکی مراجعه کنید.

² – برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به مقاله احد فرامرز قراملکی و راحله درزی با عنوان «مقایسه حکمت بحثی و ذوقی نزد ملاصدرا»، (1384)، نشریه مقالات و بررسی‌ها، ش 77. صص 123-139.